



البته گاهی برخی از طنزنویسان یک جوهرایی کلک می‌زنند و همان شیوه‌های قدیمی طنزنویسی را به کار می‌گیرند اما صرفاً رنگ و لعابشان را عوض می‌کنند. (مثلاً در قدیم مجله توفیق قالبی داشت به نام انگولک به جراید که این قالب در گل‌آقا مدتی تبدیل شد به شوخی با همکاران!).

در این مقاله کوشیده‌ام نشان دهم که چگونه می‌توان از همه ظرفیت‌ها و ابزار و امکانات طنزنویسی استفاده کرد و تابلوهایی رنگارنگ پدید آورد. این کار هم یک فرمول بیشتر ندارد؛ اینکه طنزنویس همواره ببیند آیا می‌تواند از شکل‌های مختلف و جدی نوشتاری برای طنزنویسی استفاده کند؛ چون همه اشکال جدی نوشتاری و هنری را می‌توان به اثری طنزآمیز تبدیل کرد. گو اینکه همان‌طور که گفتم برخی از طنزنویسان گاهی از این هم فراتر می‌روند و شکل‌های تازه‌ای خلق می‌کنند.

• مشابه‌سازی یا نظیره‌نویسی طنزآمیز

اصولاً هر نوشته ادبی، روزنامه‌ای و کتابی، یا سخنرانی یا اثر هنری مشهور و جدی را می‌توان به نحوی طنزآمیز شبیه‌سازی یا شبیه‌نویسی کرد و نظیره‌نویسی از آن ارائه داد که البته گاهی حاصل کار اثری هنری و گاه مطلبی بی‌مزه خواهد شد. در حقیقت در این مورد دو چیز در موفقیت طنزنویس تأثیر زیادی دارد: یکی میزان شهرت اثری که از آن تقلید می‌کنیم و دیگری درجه ذوق و استعداد طنزنویس. این آثار می‌تواند اثر مشهوری در گذشته باشد؛ مثل شاهنامه فردوسی و گلستان سعدی یا شعر نوی شاعرانی معروفی چون سپهری و اخوان. گاهی هم قصد نویسنده صرفاً شبیه‌سازی نیست؛ بلکه در واقع شبیه‌سازی یا تقلید از اثری مشهور به قصد تمسخر یا هجو و رد کردن آن اثر بزرگ و مشهور است که در این مورد بهتر است به آن نقیضه‌نویسی (پارودی یا برلسک) بگوییم تا نظیره‌نویسی و شبیه‌سازی. از این نوع طنز (که در ادبیات ما نمونه‌های زیادی از آن در دست نیست، شاید به خاطر اینکه نویسندگان و شاعران ما همواره احترام بزرگ‌ترها را داشته‌اند) می‌توان به نمونه‌های چندی در ادبیات غرب اشاره کرد؛

نمونه‌هایی که در آن نویسندگان با تقلید از آثار نویسندگان بزرگ قبل از خود سبک و یا محتوا و گاهی هم هر دو ویژگی آن آثار را دست انداخته‌اند. به این معنی که یا با زبان فاخر این آثار به موضوعاتی عامیانه، مسخره و سطح پایین و یا با زبانی عامیانه و مسخره به موضوعات جدی این آثار پرداخته‌اند. مثلاً به عقیده منتقدان دون کیشوت، نوشته سروانتس، نوعی نقیضه آثار روایی رمانس‌های دوران قبل از سروانتس است و سروانتس در آن با سبک فاخر همان رمانس‌ها به موضوعاتی معمولی می‌پردازد و قهرمانش و کارهای او را - که هنوز می‌خواهد ادای پهلوانان و قهرمانان گذشته را درآورد و نمی‌فهمد دوره پهلوانی عوض شده است - دست می‌اندازد.

طنزهای شبیه‌سازی شده در ادبیات ما بیشتر از نوع نظیره‌نویسی یا شبیه‌نویسی است و قصد در آن نه مسخره کردن آثار کهن و نو، بلکه استفاده از شهرت این آثار برای خنداندن خواننده است. به هنگام این تقلید نیز معمولاً طنزنویسان ما با دستکاری‌هایی از زبان و سبک فاخر آثار کهن استفاده می‌کنند تا موضوعی غیر جدی، مسخره یا معمولی امروز را در آن مطرح کنند. گاهی هم البته برای زیاد کردن شوخی‌ها از جابه‌جایی زمانی یا تاریخی استفاده می‌کنند. به این معنی که در لابه‌لای سبک فاخر و جدی نویسندگان مشهور از کلمات، اصطلاحات، گفت‌وگوها، موضوعات، وضعیت‌ها یا شخصیت‌ها، اشارات و وقایع امروزی نیز استفاده می‌کنند تا خواننده از تناقض بین زبان و محتوای قدیم با زبان و محتوای جدید بی‌اختیار بخندد.

بایدهای طنزنویسی

کلک‌های

طنزنویسی

برگرفته از کتاب اسرار و ابزار طنزنویسی
نگارش، تدوین و ترجمه: محسن سلیمانی



چندی پیش کتاب طنز یکی از طنزنویسان مطبوعات را نگاه می‌کردم و در میان مطالب او در به در به دنبال شکل‌های نوی طنزنویسی می‌گشتم اما متأسفانه هرچه طنزهای کتاب را زیرورو کردم بیشتر مأیوس شدم. اصولاً ساده‌ترین، دم دست‌ترین و قدیمی‌ترین شکل طنزنویسی این است که ما یک خبر روز را بگیریم و هی با انواع و اقسام شوخی‌های طنزآمیز آب و تابش بدهیم. شاید بتوان با این شگرد یکی دو حتی ده تا طنز خوب نوشت و خواننده را خندانند اما زهار که استفاده زیاد از یک قالب تکراری اگر خواننده را عصبانی نکند حداقل خسته خواهد کرد.

طنز خود قالب مشخصی ندارد اما مثل موم یا آب می‌ماند. بنابراین می‌توان هر شکلی به آن داد و آن را در هر ظرفی ریخت. اما کوشش نویسنده باید این باشد که با تکیه بر ذوق و استعدادش هر بار مناسب‌ترین قالب و ظرف را برای طنزش پیدا کند تا تأثیر نوشته‌اش روی خواننده دوچندان شود. برخی ترجیح می‌دهند این محتوا را - به قول ادبای قدیم - با استقبال طنزآمیز از آثار مشهور دیگر یا با به اصطلاح «نظیره‌نویسی» (و گاهی هم البته این استقبال به قصد تخطئه و مقابله طنزآمیز با آثار مشهور است که در این حالت بهتر است به آن نقیضه‌نویسی بگوییم) ارائه دهند. اما بعضی از نویسندگان هم برای طنزنویسی خود مستقیماً سراغ قالب‌های شناخته شده‌ای چون شکل‌های شعر کهن و نو می‌روند و آن‌ها هم که اصحاب نثر هستند ترجیح می‌دهند اثر طنزشان را در شکل‌های معروفی چون قصه‌های عامیانه، حکایت، لطیفه، شطحیات، خاطره، یادداشت‌های روزانه، بحر طویل، گزارش، مقاله، نقد، داستان کوتاه، رمان، کاریکلماتور، نمایشنامه، فیلمنامه و... بریزند. اما به نظر من طنز چنان انعطافی دارد که هر روز می‌توان جسارت بیشتری کرد و آن را در ظرف‌های نوتری ریخت؛ شکل‌هایی که یا تاکنون فقط در آثار جدی از آن‌ها استفاده شده و یا اصولاً طنزنویسان خوش ذوق خود با دست مبارکشان می‌سازند تا طنزشان را شیرین‌تر و خواندنی‌تر کنند.